

# آیا آسیب‌رسانی به اموال، «مقاومت مدنی» محسوب می‌شود؟

(قسمت دوم)

فرهاد میثمی



این متن را فرهاد میثمی از زندان رجائی‌شهر فرستاده، با این توضیح:

این نوشتار، قسمت دوم متنی است که بخش اول آن پیشتر منتشر شده است. به سبب ارتباط مطالب این دو قسمت، مطالعه‌ی نیمه‌ی اول آن به عنوان پیشنیاز این متن پیشنهاد می‌شود. قسمت اول را، می‌توانید اینجا مطالعه کنید.

\*\*\*

در قسمت قبلی این نوشتار با بخشی از نظرگاه اریکا چنوت درباره‌ی اینکه آیا آسیب‌رسانی به اموال، «ایستادگی مدنی» محسوب می‌شود یا نه آشنا شدیم. دیدیم که از این دیدگاه، «ایستادگی مدنی» صرفاً در بستر کلی مبارزه‌ی خشونت‌پرهیز توسط مردمانی غیر مسلح معنا می‌یابد. بررسی و ارزیابی مصادیق «خشونت»، معمولاً در سه حوزه صورت می‌پذیرد: ۱- جسم (جان) ۲- اموال ۳- شأن (احترام). در هر حوزه، این امر بررسی می‌شود که آیا آسیب‌ها در حیطه‌ی آن حوزه الزاماً مصداق خشونت محسوب می‌شوند یا خیر. در صورت پاسخ منفی، آیا کل آن حوزه اساساً به مصداق‌یابی خشونت بی‌ارتباط است، یا در آن

حوزه، طیفی از اعمال و آسیب‌ها وجود دارد که بسته به نوع و شدتشان ممکن است مصداق خشونت باشند یا نباشند. از نظر چنوت، فقط آسیب‌های وارده در حوزه‌ی اول (جسم و جان) الزاماً مصداق خشونت محسوب می‌شوند؛ از این رو، عملی که به آسیب جسمی یا جانی منجر شود، «ایستادگی مدنی» نیست. اما از همین نظرگاه، آسیب به دارایی‌ها الزاماً مصداق خشونت محسوب نمی‌شود بلکه این امر بستگی به شرایط دارد؛ در شرایطی می‌تواند عملی خشونت‌ورزانه باشد و در شرایطی خیر. از این منظر، مواردی از آسیب به اموال نظیر ریختن صندوق‌های چای به دریا یا آتش زدن جمعی کارت‌های آماده به خدمت نظامی (که در مثال‌های قسمت اول این نوشتار آمده) مصداق ایستادگی مدنی بودند؛ چون بدون ایجاد هیچگونه آسیب جسمی، و ضمناً دقیق و با برنامه انجام شده و دارای پیامی روشن بوده‌اند. اما مواردی نظیر شکستن شیشه‌ی خودروهای عبوری یا آتش زدن خانه‌ها، مصادیق بارز نقض ایستادگی مدنی محسوب می‌شوند. درباره‌ی حوزه‌ی سوم (احترام)، از نظر چنوت قرار نیست که جنبش‌ها لزوماً دارای ادبیاتی با رویکرد دوستانه، یا حتی محترمانه یا مؤدبانه باشند. لذا حوزه‌ی احترام که دیگری خدشه به آن را جزء خشونت کلامی به حساب می‌آورند، در این دیدگاه ربطی به تعیین مصادیق خشونت ندارد و بنابراین موضوعیتی هم برای منافات با «ایستادگی مدنی» در آن نیست. [1]

هدف از این نوشتار مختصر در درجه‌ی اول، تأیید یا ردّ دیدگاه‌ها نیست بلکه مقدماتاً طرح برخی دیدگاه‌ها در کنار یکدیگر و تلاشی ابتدایی برای تولید پرسش‌هایی است که اندکی به غنی‌تر شدن خزانة درک جمعی از مسئله کمک کند. در این راستا بد نیست مختصراً چند نظرگاه دیگر را نیز در این باره طرح کنیم. پرفسور مایکل نیگلر در کتاب «مبانی مبارزه‌ی خشونت‌پرهیز» (بخش پنجم)، شکستن شیشه‌ها یا آتش زدن مخازن زباله‌ها را نیز در حکم تباهی و انحراف خشونت‌پرهیزی می‌داند و از نظر او، واضح است که حتی «یک‌کمی» خشونت در قالب‌های مذکور نیز جنبش خشونت‌پرهیز را مبهم و دوپهلوی می‌سازد و بنابراین ضعیف‌تر می‌کند. از نظر او چنین اعمالی پیامدهایی متضاد با اهداف جنبش خشونت‌پرهیز دربر دارند؛ از این رو، مَنافی ایستادگی مدنی‌اند. (برای آشنایی بیشتر می‌توانید کتاب مذکور را از اینجا دانلود کنید.) اما واضع اصطلاح «مقاومت مدنی» - مهاتما گاندی - در یادداشتی در روزنامه‌ی **هاریجان** ذیل مفهوم «عدم‌خشونت، فراتر از صرف خودداری از کشتن است.» که ۲۵ روز پس از ترور و جان باختنش منتشر شد، اینگونه به بحث ورود کرده است:

کسانی که به خشونت معتقدند طبیعی است که آن را به کار گیرند، با این شعار که "دشمن خود را از پای" درآورد و هنگامی که ضرورت ایجاب کند، آشکارا یا در خفا به او و اموالش آسیب برسانید. " اما باید بدانیم که نتیجه‌ی این تفکر جز عمیق‌تر کردن نفرت، تسری آن و بروز حس انتقام‌جویی در هر دو طرف، چیز دیگری نیست... برخی نظریه‌پردازان دیگر در کشور ما [هند]، نظریه‌ای با این مضمون ارائه کرده‌اند که: "هرگز نباید حریف خود را از پای درآوریم [دچار آسیب بدنی کنیم یا بکشیم]، ولی می‌توانیم اموالش را

تخریب کنیم." نکته اینجاست که وقتی ما سخن از "اموال او" به میان می‌آوریم مرتکب خطا شده‌ایم، چراکه آن‌کس که او را حریف می‌نامیم از خود هیچ مالی ندارد و آن مقداری که دارد را هم، ما ناگزیر از تأمین هزینه‌هایش بوده‌ایم. بنابراین، آنچه تخریب می‌کنیم در حقیقت متعلق به خود ماست... پس آنچه در دست اوست، جز امانتی از جانب ما نیست و در نهایت نیز هزینه‌ی ویرانی‌ها را خود باید بپردازیم و بیگناهان را با پرداخت مالیات‌های کمرشکن و تحمّل عواقب آن وادار به این کار کنیم. بنابراین آن تلقی از عدم‌خسونت که صرفاً خودداری از کشتن دیگران را شامل شود [و خودداری از نابودی اموال را شامل نشود]، از دید من برتر از خسونت نیست...» [2]

گاندی در سال ۱۹۱۹ در پی بروز خسونت‌هایی گسترده در هند، ضمن اعلام رنج عمیق خود از این بابت - «اگر دشمن‌های بدن مرا پاره‌پاره می‌کرد کمتر از این واقعه برای من دردناک بود» - در سخنرانی‌اش در احمدآباد نیز آسیب‌های جانی و مالی را به نحوی بسیار در هم تنیده و هم‌ردیف طرح کرده بود: «ما بناها را سوزاندیم و دست به اسلحه بردیم و اموال را غصب کردیم و قطارها را متوقف ساختیم و سیم‌های برق را بریدیم و مردمی بیگناه را خون ریختیم و منازل و اشخاص و دکان‌ها را غارت کردیم.» [3]

در عین حال، در دوره‌ی اقامت در آفریقای جنوبی، گاندی و هندیانی دیگر تذکره‌هایی را که بایستی همواره به‌عنوان مدارک شناسایی هویتی و نیز اجازه‌ی عبور و مرور همراه خود می‌داشتند، در اعتراض به قوانین تبعض‌آمیز و در قالب کنشی جمعی می‌سوزاندند. این بسیار شبیه به سوزاندن کارت‌های آماده به خدمتی است که چنووت ضمن مثال‌هایش درباره‌ی «آسیب به اموال عمومی» آورده بود (چون کارت‌های مذکور جزء اموال فدرال بودند) که البته خسونت‌پرهیز و در زمره‌ی ایستادگی مدنی هم بود. مطابق چنین تعریفی، این عمل گاندی در هر حال از مصادیق آسیب به اموال عمومی محسوب می‌شود! بدین ترتیب، به نظر می‌رسد چنین قضاوت‌هایی وابسته به آن است که اصطلاحی نظیر «آسیب به اموال» را تا چه حدّ جزئی یا گسترده تعریف کنیم. آتش زدن کارتی مقوایی (که بعید است موجب آسیبی جانی یا حتی مالی شود) کجا و آتش زدن ساختمان‌ها یا خودروها (که احتمال زیادی از آسیب جانی را در کنار آسیب مالی ایجاد می‌کند) کجا. طبیعی است که انتظار نداشته باشیم دو نمونه با این حدّ تفاوت ماهیتی، مورد ارزیابی یکسانی واقع شوند، فقط به این دلیل که آنها را در یک دسته با عنوان «آسیب به اموال» قرار داده‌ایم.

اما درباره‌ی حوزه‌ی شأن و احترام (حوزه‌ی سوم)، بجاست که اشاره‌ای هم به دیدگاه مارتین لوتر کینگ کنیم که سخنان توهین‌آمیز را مایه‌ی خدشه به خسونت‌پرهیزی می‌داند: «... [اگر] چنان ضعف از خود نشان دهیم که اگر کسی ما را مورد ضرب و شتم قرار داد ما نیز متقابلاً چنان کنیم، یا اگر کسی سخنی توهین‌آمیز به ما گفت ما هم به او توهین کنیم، روح جنبش خود را تباه ساخته و برباد داده‌ایم...» [4]

گاندی نیز توهین کلامی یا رفتاری را از مصادیق خسونت می‌داند؛ (و در موضعی بسیار پیشرو برای زمانه‌اش، حتی تبعیض، استثمار و بی‌عدالتی ساختاری را نیز به‌هم‌چنین.) از نظر او خسونتی که در کلمات

زشت، قضاوت‌های تند و سخت، بدخواهی، کینه‌ورزی و بی‌رحمی نهفته است دست‌کمی از آسیب‌های جسمی ندارد. او معتقد است ما فراموش می‌کنیم که در تیره‌روزی رنج‌بار و مداوم مردم، در گرسنگی و استثمار که بر آنها تحمیل می‌شود و در تحقیر و کشتن هرروزه‌ی عزتِ نفس آنان چه خشونتِ عظیمی وجود دارد. [5] برخی منتقدان، رویکردهایی اخلاق‌مدار و نزدیک به رویکرد کینگ، گاندی و نیگلر را در مقایسه با رویکرد چنووت، بیش از حد سخت‌گیرانه و در عرصه‌ی عملِ امروزین، غیرقابل پیاده‌سازی می‌دانند. از سمتِ مقابل، صاحب‌نظران دیگری متذکر می‌شوند که کافی است به پژوهش‌هایی رجوع کنیم که نشان می‌دهند چه درصد بالایی از درگیری‌های منجر به آسیب‌های جسمی و جانی، در ابتدا با توهین‌های لفظی متقابل آغاز شده‌اند.

اجازه دهید قضاوت در این مقوله‌ها را به زمانی موکول کنیم که نمونه‌هایی بسیار بیشتر و متنوع‌تر از دیدگاه‌های صاحب‌نظران، پژوهشگران و کنشگران این حوزه را در دسترس داشته باشیم که در قالب‌هایی منسجم و به‌نحوی مبسوط‌تر طرح و تحلیل شده باشند. این سیاه‌مشق‌های خرد را در این شرایط فقر منابع که در آن می‌گذرانم نمی‌توان جز بهانه‌هایی کوچک تلقی کرد که شاید صاحب‌سخنانی را بر سر ذوق آورد. امیدوارم کسانی از میان پژوهشگران این حوزه و خصوصاً جوانان پرمایه‌ی علاقمند، با استفاده از منابعی ارزنده و متنوع، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های مختلف را در این‌باره گردآورند، منظم کنند، مقایسه کنند، تحلیل کنند، نقد کنند و... بسیار مشتاقم که روزی مقالات، کتاب‌ها و سایر مفاد تولیدیشان را ببینم، بخوانم و بیاموزم؛ امری که حتی صرف تخیلِ امروزین درباره‌ی آن، برایم بسیار روحبخش است.

فرهاد میثمی

آذر ۱۴۰۱

زندان رجائی‌شهر

---

[1] Chenoweth, Erica. 2021. "Civil Resistance: What Everyone Needs To Know." New York: Oxford University Press. (Page 3)

[2] مهاتما گاندی و مارتین لوتر کینگ: قدرت مبارزه‌ی عاری از خشونت، مری کینگ، ترجمه‌ی شهرام نقش تبریزی، نشر نی. (صفحات ۲۲۵-۲۲۴)

[3] مهاتما گاندی، وینسنت شیان، ترجمه‌ی اسدالله مبشری، مؤسسه‌ی مطبوعاتی عطایی. (صفحات ۱۹۵-)

(۱۹۳)

مهاتما گاندی و مارتین لوتر کینگ: قدرت مبارزه‌ی عاری از خشونت، مری کینگ، ترجمه‌ی شهرام [4]  
نقش تبریزی، نشر نی. (صفحات ۳۰۷)

همه‌ی مردم پرادرند، مهاتما گاندی، ترجمه‌ی محمود فضل‌ی، انتشارات امیرکبیر. (صفحه‌ی ۷۳) [5]

سایت آسو